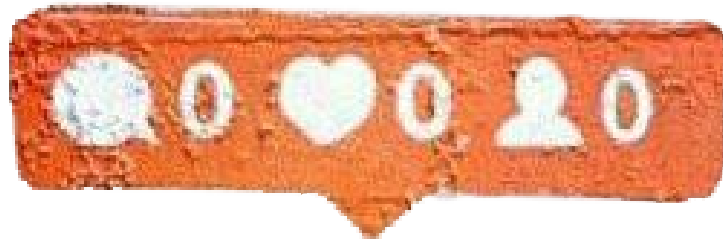


نشریه فرهنگی اجتماعی هیوا

آبان ماه ۹۷ - شماره چهارم

شمارگان: ۴۰۰

صاحب امتیاز: کانون فرهنگی خیریه بچه های آسمان



## کودک آزاری

آن آب رفته باز نیاید به جوی آب خشک  
کودک خاموش  
پنهان اما آشکار  
هزارراه نرفته  
قضای رکمت های باطل  
تورا چه شد، تورا چه مے شود  
ای فلک! از جور و بیدادست و کین، بنیاد تو!



نشریه فرهنگه اجتماعه هیوا  
شماره چهارم - آبان ۹۷

صاحب امتیاز:

کانون فرهنگه خیریه بچه های آسمان

مدیر مسئول و سردبیر:

پارسا حقیقی نایینی

طراحان:

مریم رحیمی، میلاد علامه

صفحه آرا:

پارسا حقیقی نایینی

ویراستار:

محمد حسین فروردین

همکاران این شماره:

عاطفه شریفی، سجاد کریمی، علیرضا زارعی،

محمد حسین فروردین، مریم رحیمی، زهرا

شجاعی، زهرا عباسی، شهرزاد افتخاری

## فهرست:

- ۳..... مقدمه
- ۴..... آن آب رفته باز نیاید به جوی آب خشک.....
- ۵..... کودک خاهوش.....
- ۷..... پنهان لجا آشکار.....
- ۸..... هزار راه نرفته.....
- ۱۰..... فضای رکعت های باطل.....
- ۱۲..... ای فلک! از جور و بیدادست و کین، بنیاد تو!.....
- ۱۴..... تو را چه شد، تو را چه می شود.....

راه های ارتباطی:

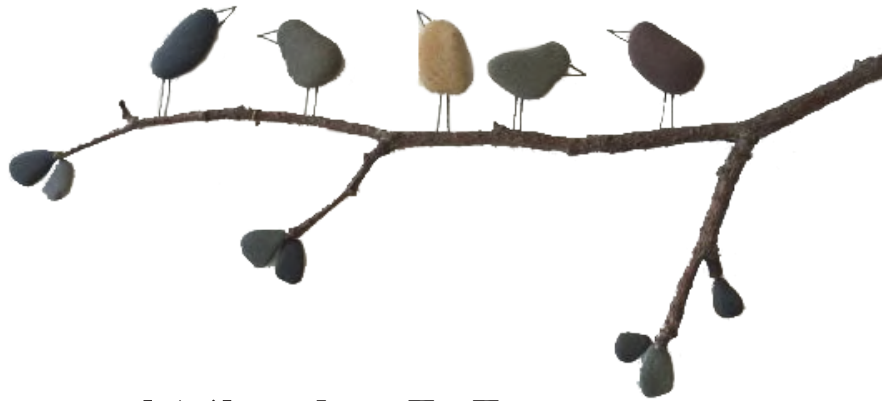


## فداوندا!

کودکان ترجمان زیباییت در گوشه و کنار شهرها و روستاها، به حال فویش در ویرانه‌های سکوت و ستم  
رها شده اند.

جوهر شجاعت بر قلممان و گوهر استواری بر قدم هایمان در مسیر احمای این زیبایی رها شده، عطا کن.  
چرا که بسیار هستند کسانی که با دستی نوازش و با تبری از جنس سنت، جهل و شهوت در دست  
دیگر معصومیت کودکانه شان را قربانی می کنند.





## آن آب رفته باز نیاید به جوی آب خشک

سجاد کریمی - مواد ۹۳

شویم که هرچه سفالگر مهارت بالا تری داشته باشد حاصل زیباتر و ارزشمند تری را می تواند بسازد تا در کوره شکل دائمی خود را بگیرد. اما اگر سفالگر مهارت کمی داشته باشد، حاصل، زشت و بی ارزش می شود و پس از قرار دادن در کوره باید خراب شود و سفالگر دوباره از نو مشغول کار شود. اما باید دانست انسان کوزه نیست که اگر خراب شد بگوییم عیبی ندارد یکبار دیگر! سؤالی که پیش می آید این است: یک استاد سفالگری شاید گل بی ارزش را به یک فرد بی مهارت ندهد تا هر شکلی که می خواهد به وجود آورد اما دو جوان می توانند پس از ازدواج به راحتی بچه دار شوند. اما با چه مهارتی؟ با چه دانشی؟ دود این بی مهارتی و بی دانشی آن ها در چشم چه کسی می رود؟ آیا قصد دارند با همان روشی که پدر و مادرشان تربیت شان کرده اند فرزندانشان را تربیت کنند؟

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: «فرزندان خود را به آداب خود مجبور نکنید زیرا آن ها به زمانی غیر از زمان شما خلق شده اند.» به یقین کودکی که مهارت زندگی در جامعه را یاد نگرفته باشد آسیب خواهد دید. باید گفت امروزه تربیت دام و طیور هم دانش و مهارت می خواهد دیگر چه برسد به انسان! اما در مدارس ما، دانشگاه ها، صدا و سیما و... چه دانش و مهارتی در مورد این امر مهم به ما آموزش داده می شود؟

باید قبول کنیم که اشتباه آمده ایم تا بتوانیم خود را اصلاح کنیم.

در این نشریه به دنبال آن هستیم تا با بررسی علل و دلایل کودک آزاری گامی موثر در جهت آگاهی جامعه نسبت به کودکان این سرزمین برداریم.

خوب یا بد باید واقعیات جامعه را بپذیریم. باید قبول کنیم که کودک امروز را نمی شود با روش های بیست سال پیش تربیت کرد. باید قبول کنیم با چرتکه، در محاسبات پیچیده امروزی به مشکل بر می خوریم. هر چند وقت یک بار با خبری رو به رو می شویم که بهت و حیرت، همه ما را فرو می گیرد و همه از خود می پرسیم: «مگر می شود؟!»

می شنویم که چند نفر به یک دختر ۶ ساله تجاوز کردند. این که پدری دختر خردسال خود را برای اخاذی از مادرش به باد کتک می گیرد و از عمل (به ظن خودش!) قهرمانانه فیلم برداری می کند تا برای مادر کودک بفرستد. می شنویم که قاری قرآن، ناظم مدرسه، مربی ورزش و... به کودکانی تجاوز می کنند. متوجه می شویم هر روز به آمار کودکان کار اضافه می شود. می شنویم که در مناطقی هنوز کتک زدن کودکان به عنوان روشی برای تربیت آن ها استفاده می شود. می شنویم...

اما هر انسان با دغدغه ای با شنیدن این مشکلات به فکر فرو می رود که چه اتفاقی افتاده که این معضلات را در حوزه کودکان و نوجوانان و به تبع آن در سنین بزرگسالی داریم؟

«خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم

دبیا نتوان بافت از این پشم که رشتیم»

به گفته روانشناسان شخصیت انسان در دوران کودکی شکل می گیرد. در دورانی که تحت تربیت پدر و مادر است. دوران زندگی کودک به گفته روانشناسان به صورت زیر دسته بندی می گردد: ۲۲ روز اول دوره نوزادی، تا یک سالگی دوره طفولیت، از زمان راه رفتن تا چهار سالگی دوره نوپایی و پس از آن تا سن بلوغ دوره کودکی است. که به یقین هر دوره مهارت ها و دانش خاص خود را برای تربیت کودکان می طلبد. به نظر بهتر است صحبت را با یک مثال پیش ببریم. اگر کودک را شبیه گل سفالگری و پدر و مادر را سفالگر و زمان و گذر عمر را کوره در نظر بگیریم، متوجه می

## کودک خاموش

زهرا شجاعی - نساجی ۹۵

آزار جسمی را این گونه تعریف کرده است: «آسیب دیدن و صدمه دیدن کودک زیر ۱۸ سال، توسط والدین و یا سرپرست بلافاصله وی که مسئول رفاه و آسایش اوست به طوری که سلامت و ایمنی کودک طبق قوانین تدوین شده به وسیله وزارت بهداشت، به خطر بیفتد.»

### کودک آزاری جنسی

تماس جنسی با کودک و یا هرگونه تعامل جنسی بین کودک و بزرگسال، کودک آزاری جنسی نامیده می شود. یکی از وحشتناک ترین آزارها سوء استفاده جنسی از کودکان است که معمولاً این نوع اذیت و آزار پنهان می ماند زیرا معمولاً نمی توان علائم این عمل وحشیانه را دید و یا حتی از این خبر آگاه شد. ضمناً از جمله آسیب هایی است که فرد به خاطر حفظ آبرو و تهدیدها، از گفتن این حقیقت اجتناب کرده و این غم را به تنهایی تحمل می کند. کودکان و نوجوانانی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته اند، از یک سری اختلالات روانی و رفتاری با شدت کم و زیاد رنج می برند. از جمله این اختلالات می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- گوشه گیر می شوند و رابطه های خود را محدود و از صمیمی شدن با دیگران خودداری می کنند.

- در طول روز خاطرات تلخ آن اتفاق یادآوری و باعث کابوس های شبانه می شود.

- اضطراب و افسردگی پیدا کرده و با اطرافیان خود با خشم برخورد می کنند.

- عزت نفس خود را از دست می دهند و همواره احساس شرم و گناه به همراه خود دارند.

- تأخیر رشدی، فکر کردن به خودکشی و حتی اقدام به آن.

- دوری کردن و پرخاشگری نسبت به مردان.

- ترس از افشا شدن این موضوع، از هم پاشیدن خانواده و برخورد خانواده.

- اختلالات جنسی.

- مشکلات رفتاری در مدرسه و عدم مشارکت در کلاس.

- عوارض جسمی مانند کم شدن اشتها و بی اختیاری ادرار.

هرگونه سوء رفتارهایی که باعث شود به سلامت، شخصیت، منزلت اجتماعی و رفتار کودک آسیب وارد شود کودک آزاری نامیده می شود.

«دوران کودکی دوران شکل گرفتن شخصیت فرد است»

از جمله فوق می توان به اهمیت دوران کودکی پی برد. دورانی که کوچک ترین رفتار بر کودک تأثیر گذاشته و سرشت او با این رفتارها خو می گیرد. همان قدر که آداب معاشرت ما در زندگی روزمره بر کودک اثر می گذارد، رفتارهایی که منجر به آزدن کودک شود هم در جسم و روح و روان کودک تأثیر گذار است. شاید در ابتدا با شنیدن کلمه کودک آزاری، تنها کتک زدن کودک از ذهن ما عبور کند اما باید بدانیم آزارهایی که به کودک وارد می شود فقط جسمی نیستند بلکه شامل: آزار جنسی، عاطفی، بی توجهی، آزار پزشکی و... هم می شود. وظیفه ای که برگردن تمامی دانشجویان به عنوان قشر فرهیخته نهاده شده است، شناخت این آزارها، آسیب های ناشی از آن و مقابله با کودک آزاری است. از تأثیرات کودک آزاری می توان به تأثیر جسمی، عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک اشاره کرد. در این قسمت سعی بر آن است که بتوانیم تا حدودی مخاطب را با کلیت این آسیب ها آشنا کنیم. انواع کودک آزاری عبارتند از: ۱- جسمی ۲- جنسی ۳- آموزشی ۴- اقتصادی ۵- ناشی از غفلت ۶- روانی-عاطفی.

### کودک آزاری جسمی

کودک آزاری جسمی متداول ترین نوع کودک آزاری است که بیشتر در خانواده های فقیر و رو به پاشیدگی رخ می دهد. آزار جسمی از جمله آزارهایی است که عمدی و با استفاده از نیروی فیزیکی به کودک وارد می شود مانند: ضربه زدن، داغ کردن، مسموم کردن، گاز گرفتن و... وارد شدن هریک از این آسیب ها به کودک باعث بد شکلی موقتی و یا دائمی و ناتوانی در کودک می شود و حتی در مواقعی به دلیل ضربه دیدن سر، شاهد مرگ کودک هستیم. این آزارها در کودکی می تواند منجر به تشکیل عقده روانی در کودک شود و این عارضه در بزرگسالی خودنمایی می کند. همچنین آزار جسمی بر بعد رفتاری و شناختی شخصیت تأثیر می گذارد. از اثرات بر بعد رفتاری شخصیت می توان به: پرخاشگری، فقدان مهارت های اجتماعی، فرار از خانه، بزهکاری، اعتیاد و سوء مصرف مواد، اشاره کرد.

در این زمینه قانون حمایت از کودکان مصوبه ۱۹۸۸



### کودک آزاری ناشی از غفلت و بی توجهی

این نوع کودک آزاری غیر عمد و در اثر غفلت و مسامحه اتفاق می افتد. در واقع عدم توجه کافی والدین نسبت به نیازهای اولیه جسمی، روحی و روانی کودک و رابطه کم والدین و سرپرستان با وی را آزار ناشی از غفلت می نامند. غفلت و بی توجهی نسبت به بهداشت، تغذیه، آموزش و جسم کودک از جمله این آزارهاست. در این کودکان معمولاً هیچ گونه علامت آشکاری از کودک آزاری دیده نمی شود، اما آنها از درد روحی و روانی رنج می برند. که این امر هم بر بعد جسمی و روحی کودک اثرات مخربی دارد.

### کودک آزاری روانی-عاطفی

از جمله مهمترین آسیب های کودک آزاری است که کمتر مورد توجه عموم قرار می گیرد و در بخش بعدی به تشریح کامل این آسیب پرداخته می شود.

افرادی که در کودکی خود به نحوی مورد سوء استفاده های جنسی قرار گرفته اند در بزرگسالی دچار افسردگی می شوند. به علاوه میزان بالای اضطراب در این گونه افراد می تواند منجر به ایجاد رفتارهای مخرب نظیر شراب خواری، حملات ناگهانی استرس، اختلالات اضطراب محیطی و بی خوابی شود. لازم به ذکر است که این آسیب ها در صورتی که سن کودک کمتر، زمان آسیب و سن تجاوزگر بیشتر و فرد آسیب زنده نزدیک تر باشد، شدید تر و منفی تر است.

### کودک آزاری آموزشی

هرگونه آسیب ها و آزارهایی که از طریق نظام آموزشی به وسیله معلمان، محتوای کتاب، شیوه تدریس و... در کودک ایجاد می شود را آسیب آموزشی گویند. این آزارها نیز شامل تحقیر کردن کودک، تنبیه بدنی، ایجاد رقابت های ناسالم، نادیده گرفتن کودک و... می شود.

### کودک آزاری اقتصادی

سوء استفاده از کودک و به کار گرفتن وی به منظور کسب در آمد و تعلق نگرفتن در آمد حقیقی به کودک، از جمله دیگر آزار های وارد بر کودکان است.



ترک می کنند.

۲- بی اعتمادی: در این مشکل (یا تله زندگی) شخص همواره انتظار دارد که دیگران به او صدمه بزنند و یا با وی بدرفتاری کنند.

۳- وابستگی: شخص بدون کمک دیگران از پس کارهای روزمره خود بر نمی آید.

۴- آسیب پذیری: فرد دائم نگران و مضطرب بروز فاجعه یا مصیبت است.

۵- محرومیت هیجانی: شخص باور دارد هیچ کس او را دوست ندارد و اهمیتی برای دیگران ندارد.

۶- طرد اجتماعی: شخص به انزوا و دوری از شرکت در جمع های مختلف گرایش دارد.

۷- نقص: فرد دارای این فکر مخرب، احساس بی ارزشی دارد و حس می کند دارای عیب های زیادی است.

۸- شکست: اعتقاد به اینکه در اکثر کارها شکست خورده و ناموفق بوده است.

۹- اطاعت: اعتقاد به فدا کردن خود برای رفع نیاز های دیگران.

۱۰- معیارهای سخت گیرانه: وجود معیارها و ملاک های بلند پروازانه در شخص.

۱۱- استحقاق: افرادی که خود را «همه کار توان» و «همه چیز دان» می دانند!\*

همان گونه که مشاهده می شود اثرات آزار عاطفی و تربیت اشتباه بسیار فراگیر بوده به گونه ای که تغییر آن ها بسیار سخت خواهد بود.

### علل آزار های عاطفی و روانی

می توان عمده علل این نوع آزار را فقر فرهنگی مثل الگوهای تربیتی نامناسب که دست به دست به والدین به ارث رسیده است (!) (شبیبه جمله هایی که بارها شنیده ایم: «ما مگه چطور بزرگ شدیم؟»، «الان نسبت به گذشته خیلی بیجه ها را پررو می کنند!» و...) و عدم وجود قوانین در این حوزه دانست. البته از این بین فقر فرهنگی که عامل اصلی این گونه آزارها بشمار می آید قابل بحث است. هر یک از ما باید بدانیم گرچه این مشکلات بسیار آزار دهنده و ریشه ای هستند اما همه قابل پیش گیری و حتی درمان هستند که این کار با مطالعه کتب روانشناسی مربوطه و تمرین های فردی-ذهنی میسر خواهد شد.

\* جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب «زندگی خود را دوباره بیافرینیم» اثر جفری یانگ و ژانت کلووسکو مراجعه شود.

## پنهان اما آشکار

کودک آزاری عاطفی

محمدحسین فروردین - برق ۹۳

آزار عاطفی را می توان به نوعی بدترین شکل کودک آزاری برشمرد. علت آن این است که اولاً اثرات آن نسبت به دیگر انواع آزارها ماندگارتر است و دوماً با توجه به ماهیت آن، نتایج این نوع آزارها کمتر ملموس و محسوس بوده و گاهی خود را در سال ها بعد نمایان می کند. گرچه باید دانست که دیگر آزارهای گفته شده نیز تقریباً همیشه با آزار عاطفی همراه هستند. بصورت کلی باید گفت تربیت غلط کودکان و فرزند دار شدن بدون آگاهی از روش های تربیتی صحیح، خود نمونه آشکار کودک آزاری هستند زیرا بسیاری از طرحواره های زندگی و شیوه های غلط رفتاری که منجر به ایجاد افسردگی، اضطراب، عصبانیت شدید و سایر هیجانات منفی در کودکان، نوجوانان (و در بزرگسالی در آن ها) می شود، حاصل همین تربیت غلط است.

تعریف کنفرانس بین المللی سوء رفتار روانی کودکان و نوجوانان در سال ۱۹۸۳ از رفتار های بد روانی عبارت است از: هرگونه رفتار با کودک که طبق استانداردهای اجتماعی و نظر متخصصان از نظر روان شناختی آسیب زا باشد؛ یعنی هرگونه رفتاری که بر عملکرد رفتاری-شناختی و عاطفی و جسمی کودک تاثیر سوء داشته باشد، بدرفتاری روانی با کودک خوانده می شود.

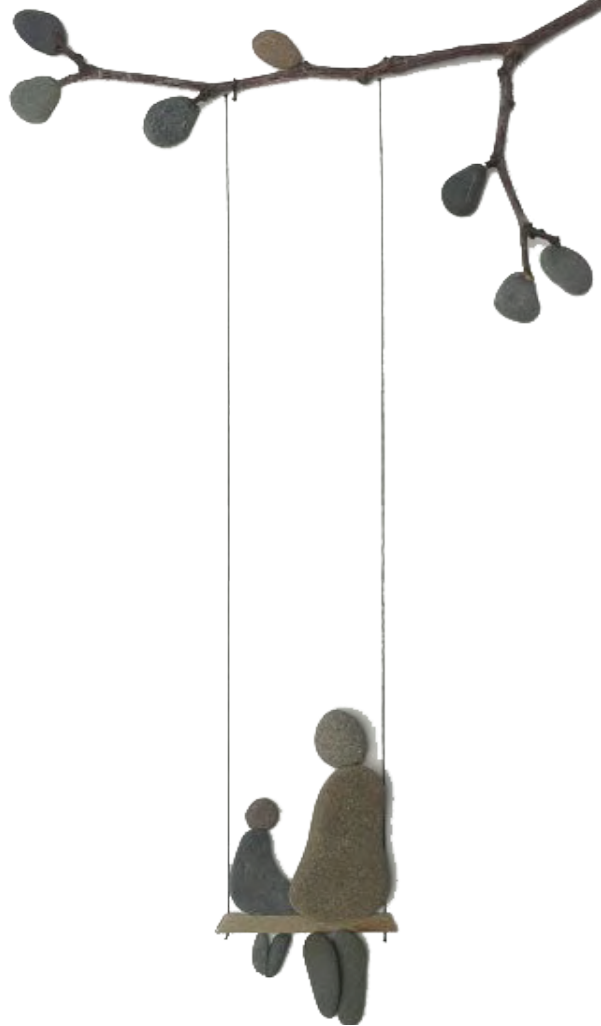
به همین منظور ابتدا بصورت مختصر نگاهی بر دیدگاه روانشناسی در این حوزه داریم.

### بررسی روانشناختی

آزارهای عاطفی مصادیق مختلفی دارند. برخی از نمونه های آن که شاید بیشتر آشنا و ملموس هستند عبارتند از به کار بردن الفاظ زشت در صحبت با کودکان و تحقیر آنان به خصوص در محیط های اجتماعی، مقایسه منفی آن ها، تبعیض، طرد و ... که نمونه های آن بسیار زیاد است. امروزه صاحب نظران حوزه شناخت درمانی معتقدند کودک در دوران کودکی و تحت تربیت بودن و به خصوص در ارتباط صمیمی با خانواده باید: ۱- امنیت بنیادین، ۲- ارتباط سالم با دیگران، ۳- خودمختاری، ۴- عزت نفس، ۵- خودابرازگری، ۶- پذیرش محدودیت های واقع بینانه برایش تامین شود که تامین نشدن آن ها با توجه به نتایج دائمی منفی آن در زندگی اثراتی چه بسا بدتر از آسیب های جنسی و جسمی دارد.

باید گفت ۱۱ الگوی رفتاری مخرب و پر تکرار که برخی روانشناسان معتقدند همه آن ها ریشه در تربیت و رفتار والدین و اطرافیان (نظیر آموزگاران، همسالان و ...) دارد، حاصل همین آزارهای عاطفی و تربیت های غلط است و کودکانی که به نحو غیر صمیمی رشد می یابند (یا به نوعی آزار عاطفی را تجربه می کنند) در معرض گرفتاری به مشکلات روحی زیر هستند:

۱- رهاشدگی: احساسی که شخص در آن دچار تنهایی و بی پناهی شده و هر لحظه احساس می کند افرادی که دوستش دارند او را



## هزار راه نرفته

راه های مقابله با کودک آزاری جنسی

زهرا عباسی - علوم و صنایع غذایی ۹۵

در میان انواع کودک آزاری، کودک آزاری جنسی یکی از بدترین انواع آن محسوب می شود زیرا آزار جسمی و روحی بصورت توأمان برای یک کودک رخ می دهد. تصور کنید کودک یا نوجوانی را که درگیر این آسیب شده و این موضوع را مطرح نکند و به تبع آن مورد حمایت های مختلف قرار نگیرد؛ چه اتفاقی برای زندگی حال و آینده اش رخ خواهد داد؟ یک کودک یا نوجوانی که در بحرانی ترین دوران زندگی اش قرار دارد چگونه با این مسئله روبه رو خواهد شد؟ باید گفت این موضوع آن قدر مهم است که با تمام توان نباید اجازه تکرار به آن را داد.

شاید خیلی از مخاطبین با شنیدن خبرهایی در راستاء کودک آزاری جنسی به این مسئله فکر کرده باشند که چه باید کرد تا این گونه اتفاق ها دیگر تکرار نشوند و احتمالاً اولین راهکار در ذهن این است که خود خانواده ها باید از فرزندانشان محافظت کنند و با آموزش، آن ها را نسبت به

آزار جنسی ایمن کنند. در این باب هم کافی است کلمه کودک آزاری را در یکی از مرور گرهائیتان جستجو کنید تا مطالب و کلیپ های آموزشی مفیدی در دسترس شما قرار گیرد؛ اما این که یک خانواده در این رابطه آموزش ببیند و کودک خود را آموزش دهد فقط یک طرف قضیه است؛ و نیاز و خلأ فرزندان در رابطه با آموزش صحیح و به موقع مسائل جنسی طرف دیگر قضیه است. فکر می کنم کمتر کسی باشد که از اتفاقی که در مدرسه غرب تهران اتفاق افتاد، با خبر نشده باشد. قربانیان این بار دانش آموزان دوره اول متوسطه (مقطع راهنمایی نظام قدیم) بودند و اگر کمی بیشتر تأمل کنیم، در می یابیم که این دانش آموزان فقط قربانی نداشتن اطلاعات لازم برای مراقبت از خود و رد خواسته نامتعارف نشده اند، بلکه نداشتن اطلاعات کافی و مناسب در خصوص مسائل جنسی هم در این ماجرا تأثیر گذار بوده است. نبود محتوای آموزشی مناسب در خصوص مسائل جنسی از یک سو، کنجکاوینها و هجوم اطلاعات نادرست و نابه هنگام از سمت اطرافیان از سوی دیگر، ذهن و روان نوجوان را درگیر کرده و حتی اگر آسیب جنسی هم آن ها را تهدید نکند، درگیر مسائل دیگری خواهند شد.

دکتر امانی مدیر کل دفتر تألیفات کتاب های درسی در رابطه با سوال روزنامه شرق مبنی بر این که آموزش و پرورش برای آموزش مسائل جنسی چه کرده است، پاسخ داده است: ما از بستر های مختلفی که داریم یک نقطه شروع مناسب که به عنوان نقطه ورود به این آموزش ها باشد، ایجاد کرده ایم. ایشان اظهار می کنند که این آموزش ها اگر هم بنا باشد در مدارس وارد شود جنبه شرکایی دارد و والدین و مربیان باید در کنار برنامه درسی شریک این آموزش باشند و آموزش ها به صورت سر بسته باشد و باز کردن آن برای دانش آموز باید از طریق مربی و والدین صورت پذیرد. این در حالی است که معلمان هیچ آموزش و یا ضمن خدمتی در این رابطه ندارند؛ آموزشی که مشخص کند چه مطالبی برای کدام رده سنی لازم و مناسب است. بعضاً دیده شده که برخی از والدین و یا حتی معلمان به خاطر احساس مسئولیت خود در رابطه با آموزش به بچه ها مطالب را به نحو نادرستی باز کرده اند، در حالی که این آموزش ها باید با به کارگیری تجربه و اطلاعات متخصصان مربوط به خودش صورت گیرد.

کتاب های ضمیمه درس تفکر و سبک زندگی که در پایه های هفتم (برای دختران) و هشتم (برای پسران) در رابطه با موضوع بلوغ در نظر گرفته اند و همچنین کتابی که به تازگی در پایه دوازدهم تدریس می شود اگرچه مفید اند ولی اصلاً جواب گوی این خلأ آموزشی نیستند و همچنین پایه تحصیلی مناسب برای تدریس این کتاب ها هم به نظر نامناسب می آید.



پس از بحث آموزش باید به موضوع امنیت و نظارت بپردازیم. حتی اگر تصور کنیم که کودک خود را با آموزش های مختلف ایمن کرده ایم، باز هم نبود یک نهاد نظارتی تهدید بزرگی برای کودکان است. نتیجه نبود نظارت کافی، اتفاقات ناگواری است که این چند ساله در مدارس فوتبال و باشگاه های ورزشی شاهد آن هستیم. اما باز هم اگر عمیق تر به قضیه نگاه کنیم به این موضوع می رسیم که چرا باید کودکان ما در ارتباط با افرادی باشند که امنیت آن ها را تهدید می کنند. این مسئله یعنی گزینش افراد در ارتباط با کودکان، بعد از ماجراء مدرسه غرب تهران خیلی پررنگ تر شده است. باید گفت گرچه در مدارس غیر دولتی معلمان با یک گزینش عمومی وارد مدرسه می شوند و در مدارس دولتی به نسبت گزینش های بیشتری انجام می شود اما باز هم نمی تواند قانع کننده باشد و دولت باید امکاناتی فراهم کند تا افرادی که در ارتباط با کودکان و نوجوانان هستند، تست تمایلات جنسی دهند. این در حالی است که گفته شده مشاوره در دوران دبیرستان در شناسایی افراد پدوفیل (کودک گرا) کاملاً مؤثر است.

چه بسیار راه ها و دریغ از یک قدم ...



همه این ها حاکی از آن است که یک برنامه درست و منطقی در این رابطه تدوین نشده و به خاطر همین خلأ وقتی از سند ۲۰۳۰ در باب آموزش جنسی سخن به میان آمد ما از سند خوش اسمی به نام تحول بنیادین صحبت کردیم، سندی که می تواند جوابگو خلأ های آموزشی ما در این باب باشد، اما بعد از گذشت هفت سال شاید کمترین توجهی به آن نکرده اند، ضمناً این که مفاد سند تحول در این خصوص هم کاملاً می تواند پاسخگوی این نیاز آموزشی باشد، جای تأمل دارد. با وجود همه این کمی وکاستی ها در آموزش در حالی که آمار کودک آزاری ها هرروز رو به افزایش است، ما تنها پیگیر اخبار مربوط به رأی نهایی دادگاه ناظم مدرسه غرب تهران بودیم. باید پرسید: تعداد ضربه های شلاق و یا تعداد سال های حبس چه کمکی به دانش آموزان می کند؟ چه کاری در راستاء نبود یک برنامه آموزشی مناسب می توان انجام داد؟

در ادامه به گزارشی که سایت دویچه وله ارائه داده است، می پردازیم: در سال های پایانی دهه ۱۹۶۰ همراه با موج وسیع جنبش های دانشجویی و اعتراضات گسترده جوانان در بسیاری از کشورهای اروپایی و از جمله آلمان، نیاز نسل جوان به دگرگونی در سیستم های آموزشی و تربیتی در خانه و مدرسه و ایجاد فضایی بازتر در همه زمینه ها به چشم می خورد. آن زمان این نظر مورد توجه قرار گرفت که نوجوانان با مسائل جنسی نه از طریق غیر معمول و پنهان، بلکه به شکل سیستماتیک و علمی و از طریق آموزش و مدرسه آشنا شوند. علی رغم انتقاد و مخالفت سخت محافظه کاران و کلیسای کاتولیک، آموزش مسائل جنسی به عنوان بخشی از درس زیست شناسی در بسیاری از مدارس آلمان پذیرفته شد و نخستین کتاب های درسی در این زمینه چاپ شد.

حمایت قانونی از تدریس مسائل جنسی در مدارس موجب شد آن دسته از والدینی که مخالف شرکت فرزندان خود در این گونه کلاس ها بودند در مرحله ی اول جریمه بپردازند و در صورت تکرار با پیگرد قضایی مجازات روبه رو شوند.

در آلمان آموزش مسائل جنسی بخشی از درس زیست شناسی است که متناوباً در پایه پنجم و نهم تدریس می شوند.

این که در کشور های دیگر این آموزش ها با اهدافی مثل پیشگیری از بارداری های ناخواسته انجام می شود و به موضوع خویشتن داری تا قبل از ازدواج توجهی نمی شود و یا این که این آموزش ها در آن کشورها تا چه میزان تأثیرگذار بوده، نمی تواند نبود یک محتوای آموزشی مناسب در کشور خودمان را توجیه کند.



## قضای رکعت های باطل

لایحه حمایت از حقوق کودکان نوجوان

عاطفه شریفی - شیمی ۹۵

«در حال حاضر که مردم با مشکلات اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند، اولویت کشور تصویب این لایحه نیست و رسیدگی به مسکن، ارز و بیکاری باید در اولویت باشد.» سید محمدجواد ابطی (نماینده مجلس)

«به طور مثال در این لایحه ذکر شده اگر پدر و مادری فرزندان را به مدرسه نفرستند مجرم هستند؛ در حالی که اگر پدر خانواده درآمدی نداشته باشد، برای تحصیل فرزندش با مشکل مواجه می شود و ما به این موضوع فکر نکرده ایم؛ بنابراین اولویت باید تامین زیر ساخت ها باشد.» حسینعلی حاجی دلیگانی (نماینده مجلس)

«مجلس و قوه قضائیه هر دو خود را مبتکر این لایحه می دانند و مشکل در جایی رخ می دهد که کدام یک از این نهاد ها متولی اجراء این لایحه هستند.» محمد لطفی آذر (نماینده مجلس)

«با روی کار آمدن مجلس دهم تمام تغییراتی که در طول سال ها در کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس نهم روی آن وقت گذاشته بود کنار گذاشته شد و لایحه دوباره بررسی شد که این امر باعث کند شدن روند بررسی گردید.

این طور به نظر می رسد که دیگر با توجیحات نمی توان مردم را سرگرم کرد و علت تأخیر در تصویب این لایحه را نمی توان تراکم کاری نمایندگان عنوان کرد چرا که سال های گذشته اصلاً زمان کمی برای بررسی این قانون نبوده است و اگر موضوع اولویت بندی بوده، با این حجم از جرائم علیه کودکانی که خود توانایی بازخواهی حقوق فراموش شده شان را ندارند و روحیه حساس و بی طاقت شده مردم، به راستی پس از این همه سال آیا هنوز این لایحه اولویت پیدا نکرده است؟ در واقع مشکل اصلی همین است؛ اگر مسائل کودکان دغدغه بود، تا به امروز این لایحه به تصویب می رسید. سوال دیگر این است که این زیرساخت هایی که اساساً در تمامی مشکلات از آن صحبت می شود و کاملاً منطقی به نظر می آید، چه زمانی قرار است فراهم شود؟ چه اقداماتی در جهت آن انجام گرفته؟ و آیا اصلاً وظیفه ای در قبال ایجاد آن، احساس می شود؟ به عبارتی چند دهه دیگر کودکان این سرزمین باید با خلأ قانون دست و پنجه نرم کنند تا بررسی ها تکمیل شده و یا زیر ساخت ها ایجاد شوند؟ چند کودک دیگر قربانی شوند تا شرایط اقتصادی جامعه به سامان برسد و فرصتی پیش آید تا این لایحه نیز دارای اولویت به شمار آید؟

در کشور ما فعالیت هایی برای مقابله با جرائم علیه کودکان، پیشگیری از وقوع و درمان آسیب های آن، مدت هاست آغاز شده ولی با موانع بسیاری مانند عدم شفافیت قانون، ضعف مکانیسم های قضائی، ضعف آشنایی مردم با حقوق شهروندی، عدم آگاهی از قوانین مجازات اسلامی و کم رنگ شدن نظارت محلی و مسئولیت های اجتماعی روبه روست. از سوی دیگر نهاد های قانون گذاری و مجری قانون تمام توان خود را برای مقابله و درمان جرائم علیه کودکان به کار نبسته اند که شاهد این مدعا ضعف های جدی در قوانین و گزارشات رسیده از مراجع قضائی، کیفری و اورژانس اجتماعی است. حقوق مدنی کودکان هنوز در ایران به طور مستقل به رسمیت شناخته نشده و فصلی جداگانه در آیین دادرسی مدنی جهت استیفاء حقوق کودکان وجود ندارد؛ همچنین وضع در آیین دادرسی کیفری و جزائی نیز چندان بهتر از قوانین مدنی نیست.

با اینکه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۸۱ تعریف عمومی از جرم کودک آزاری ارائه کرده است اما جرائم علیه کودکان و مصادیق کودک آزاری هنوز به طور کامل و مجزا در قانون مجازات اسلامی جرم انگاشته نشده و روند دادرسی به نحو شایسته بیان نشده است. قوه قضائیه از بین نهادهای ذی ربط، سریع تر به این نتیجه رسید که بایستی قانون حمایت از کودکان تعدیل پیدا کند که بر همین مبنا در سال ۱۳۸۷ لایحه جدید تقدیم دولت شد. اگر چه قانون جدید جامع تر و کامل تر از قانون ۱۳۸۱ است اما هم چنان خلأ هایی نیز در آن وجود دارد. به طور مثال برای کودک آسیب دیده یا در معرض آسیب که طی بروز جرائمی باید

نخستین بار در سال ۱۳۸۱؛ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان تصویب شد. قانونی که طی گذشت زمان نشان داد، کارآمد نیست و همچنین از نگاه بسیاری از فعالان حقوق کودک جامعیت لازم برای حمایت از کودکان را ندارد. بنابراین در سال ۱۳۸۷ لایحه دیگری در قالب ۵۴ ماده تقدیم دولت وقت شد که پس از ارسال به دولت، مواد این لایحه به ۴۹ ماده کاهش یافت که در سال ۱۳۹۱ در کمیسیون لوایح دولت دهم به تصویب رسید و پس از آن به مجلس ارسال شد. سرانجام پس از یک دهه تأخیر، کلیات این لایحه در تابستان امسال در مجلس به تصویب رسید که پس از بررسی جزئیات آن، باید کلیات و جزئیات لایحه توسط شورای نگهبان بررسی شود که این مسئله خود زمان بر بوده و فیلترهای خاص خود را دارد.

### تصویب بی تبصره

لایحه ای که مفاد آن حمایت از کودکان و نوجوانان یعنی «آسیب پذیر و بی دفاع ترین قشر جامعه» است، در حدود ده سال در مجلس معطل مانده؛ آن هم با وجود تمامی مشکلاتی که هر روزه شاهد رخداد آنها هستیم و در صورت نبود قانون بالفعل بی شک راه بروز آسیب هایی از این دست، همچنان هموار می باشد. در این بین پرسشی به ذهن می رسد؛ علت نهایی نشدن این لایحه تاکنون چه بوده است؟ چرا بعد از این همه انواع کودک آزاری نظیر اعتیاد کودکان، کودکان کار و تکدی گر، کودکان بازمانده از تحصیل، ازدواج اجباری، کودکان بزهدار و صدها آسیب دیگری که آینده و سرنوشت جامعه را تهدید می کند، در تصویب این لایحه تعلل می شود؟

«تراکم قوانینی که در دستور کار مجلس وجود دارد یکی از عوامل بازدارنده رسیدگی به لوایح است.» طیبیه سیاوشی (عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی)

«معتقدیم نبود قانون، بهتر از قانون بد است.» حسن نوروزی (رئیس کمیسیون قضائی مجلس دهم)

«ما نمی توانیم به سادگی لایحه را تصویب کنیم و سخت گیری نداشته باشیم.» حسن نوروزی

«اصلاً دولت اقدام و درخواستی در خصوص اولویت قراردادن لایحه نکرده است، تنها اقدامی که انجام شده نامه خانم ابتکار (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) است که این نامه از سوی مجلس معیاری برای اولویت قرار دادن یک طرح نیست.» قاضی زاده هاشمی (نماینده مجلس)

«مشکلی که این لایحه دارد مشکل تدوین آن است، هر چند کلیات آن بدون مشکل و به نفع کودکان است اما در مواد آن ایراداتی مشاهده می شود که به بررسی نیاز دارد.» فاطمه ذوالقدر (نماینده مجلس)

«لایحه مغایر مبانی شرعی است.» علیرضا سلیمی (نماینده مجلس)

رفته و در جایی از واژه کودک زیر ۱۸ سال که مطابق با ادبیات بین المللی کودکان است؛ استفاده شده است. آیا این تضاد در اعمال قانون در آینده مشکل زا نیست؟ آیا واژه طفل همچون خوانش های متفاوت از شرع و قانون برای کودکان و مسائل قضائی در خصوص آنها مشکلی ایجاد نمی کند؟ طیبه سیاوشی (عضو فراکسیون زنان مجلس) این گونه پاسخ می دهد: «از آنجا که طبق قانون داخلی، این لایحه قرار است به تصویب برسد، بهتر است از واژه طفل استفاده شود. در هر حال ما تابع قوانین داخلی هستیم. البته که استفاده از لفظ کودک طبق پیمان نامه بین المللی حمایت از حقوق کودکان و به لحاظ حقوق بشری بسیار مهم است، اما تطابق با قوانین داخلی هم به همان میزان مهم است.»

### کودک قانونی

عدم توجه به این لایحه، یکی از علل اصلی جنایات اخیر است که در کشور ما علیه کودکان علنی شد که هر کدام برای لکه دار کردن عصمت و آبروی فرهنگی-اجتماعی تاریخ یک کشور کافی است و حاکمیت، دولت، خانه ملت و مجریان قانون؛ حال باید با توجه به اینکه «توان جامعه نسبت به اخبار کودک آزاری کم شده و مردم دیگر نمی خواهند و نمی توانند نام کودک جدیدی را که قربانی این موضوع شده بشنوند!» پاسخگوی جنایات و مشکلات پیش آمده و در حال رخداد باشند. ما هنوز در تعریف خود کودک، این مسئله که چه کسی کودک محسوب می شود و درباره تعریف این مفهوم که سرپرست و بد سرپرست کیست، دارای ابهام هستیم. در این زمینه صرف نوشتن قانون کافی نیست و باید تمام ظرایف این مسئله را به درستی تعریف کرد و نهادهای متولی و مجموعه های حمایتی قابل اعتماد را در نظر گرفت و اگر نیست آنها را مهیا کرد. از نظر حقوقی؛ کودک، صغیر محسوب می شود بنابراین باید تعیین کنیم که در صورت بروز آزار چه کسی مدعی این مسئله خواهد بود و چه کسی می تواند اعلام کننده این اتفاق باشد. هر چند مجازات فرد آزار دهنده لازم است اما این کافی نیست، بلکه باید تدابیری اندیشیده شود که بعد از آن، وضعیت کودک آزار دیده چه خواهد شد؟ چه اقداماتی درباره او باید انجام دهیم تا از زندگی طبیعی باز نماند، کجا نگهداری شود و... به هر حال امیدواریم که هر چه زودتر با اجرایی شدن این قانون؛ شاهد جبران کاستی ها باشیم. شاید لازم به یادآوری است که کشور ما عضو کنوانسیون حقوق کودک است. ماده ۱۹ این کنوانسیون می گوید که دولت های عضو، ملزم هستند که تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی، آموزشی را به عمل آورند تا از کودکان در برابر تمام اشکال خشونت اعم از جسمی، روانی، آزار یا سوء استفاده، سهل انگاری و بهره کشی از جمله سوء استفاده جنسی در حین مراقبت والدین یا سرپرست قانونی حمایت کنند اما به لطف بی اعتنائی به این ماده همچون سایر بند های این کنوانسیون، وضعیت کودک آزاری فجیع تر از گذشته شده و تا زمانی که نگاه اساسی و عزم جدی برای برخورد ریشه ای با این مسئله وجود نداشته

باشد، اوضاع به همین شکل و چه بسا بصورت بدتر ادامه پیدا می کند، چرا که قبح و شرم این فجایع روز به روز در جامعه ما کم رنگ تر می شود. بنابراین احتمالاً مشکل ما فقط در نبود قانون نیست؛ موضوع امضا های بی اعتباریست که پشت هر بند و تبصره ای روی کاغذ مهر می شود و داغ آن تا ابد بر دل و جان کودکان می نشیند.

مدتی را دور از خانه بگذرانند قانون «خانه امنی» را مطرح نکرده است و تنها در این لایحه سازمان بهزیستی را مسئول نگهداری کودکان و نوجوانان به شمار آورده است، در صورتی که بهزیستی با شرایط کنونی هنوز چند قدمی تا خانه امن به حساب آمدن فاصله دارد و در صورتی برای نگهداری کودکان صلاحیت پیدا می کند که نظارت و تغییرات بیشتر و اساسی تری در آن به وجود آید؛ یا در حالی که عنوان لایحه، حمایت از کودکان و نوجوانان است اما پس از بررسی اجمالی می توان به این جمع بندی رسید که لایحه بیشتر جنبه تنبیهی-قضایی دارد تا حمایت از کودکان که باید این نکته را هم مد نظر داشت که مسائل مربوط به کودکان را هر چه بیشتر قضائی کنیم موفقیت ما در این زمینه کمتر خواهد شد زیرا این مسئله بیشتر دارای جوانب اجتماعی است. در این راستا باید نقش مدرسه ها در این لایحه پر رنگ تر شود. به هر حال در کشور نهاد های فرهنگی و اجتماعی و تربیتی بسیاری هستند که می توانند در اجراء بهتر این قانون تأثیر بسزایی داشته باشند. به طور مثال در یکی از بند های این لایحه به تشکیل دفتر حمایت از کودکان در دستگاه قضایی اشاره شده با این وجود به دلیل اینکه مواجهه با جرائمی که در مورد کودکان اتفاق می افتد نباید صرفاً کیفری باشد، به نظر می رسد بهتر است این دفتر در یکی از دستگاه های دولتی، غیر از دستگاه قضائی تشکیل شده و همچنین تمهیدات مواردی مانند انجام مشاوره حقوقی، ایجاد شرایط مناسب در خانواده کودک یا درخواست اقدامات حمایتی و ... در آن صورت گیرد.

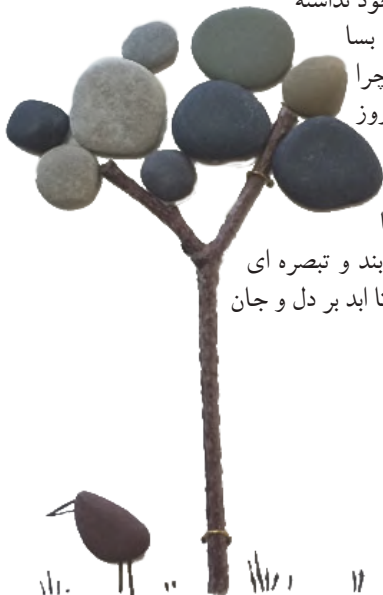
### مفاد لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان

این لایحه تشکیل شده از چهار فصل است که فصل اول به کلیات، فصل دوم به تشکیلات، فصل سوم به جرائم و مجازات ها و فصل چهارم به تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی اختصاص پیدا کرده است و در مجموع شامل ۵۱ ماده است.

از ویژگی های مهم لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- \* سن ۱۸ سال تمام به عنوان مرز بین کودکی و نوجوانی تعیین شده است (افراد کمتر از این سن می توانند از حمایت های این قانون بهره مند شوند)
- \* مکلف شدن قضات به بازدید دوره ای از مراکز نگهداری اطفال و نوجوانان
- \* امکان تجدید نظر مکرر در آرا و تصمیمات دادگاه و همچنین قابل تجدید نظر بودن تمامی احکامی که در خصوص اطفال و نوجوانان صادر می شود.
- \* به صورت مدون شده، کودکان در معرض آسیب را وارد نظام حقوقی کرده است؛ به عبارتی تا به الان ما مسئله ای تحت عنوان کودکان در معرض آسیب را شاهد نبوده ایم چرا که سابقاً کودکان باید آسیب دیده یا بزهکار بودند که قانون متوجه آنها باشد. این طرح نه تنها به حقوق کودکان در معرض آسیب اشاره کرده است بلکه ضمانت اجرا شامل ضمانت اجراء کیفری و حمایتی را در نظر گرفته است. بخشی در این لایحه وجود دارد که شامل ایجاد پرونده شخصیت برای کودکان است.
- \* این لایحه جرم انگاری ها را گسترده کرده و ضمانت اجراهایی را که تعیین کرده، نسبت به چیزی که در قانون قبل وجود دارد، خیلی مؤثر تر است. به همین دلیل به نظر می رسد امکان بازدارندگی مجازات های پیش بینی شده بیشتر باشد.
- \* در این لایحه وظایف نهاد هایی مانند آموزش و پرورش، وزارت کشور، بهزیستی، بهداشت، ناجا، صدا و سیما، دادگستری و... مشخص شده است. در واقع نخستین باری است که در قوانین ما بحث کودک آزاری به طور جدی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.
- \* بند هایی در این لایحه شامل دو عنصر پیش گیری و حمایت، مد نظر قرارداده شده است.

در ماده اول این اساس نامه به تعریف اصطلاحاتی مانند: طفل، نوجوان، سوء رفتار، معامله، فحشا، مستهجن، خطر شدید و قریب الوقوع و... پرداخته شده است. موضوعی که در این باره پیش می آید، تفاوت ادبیات در مواد لایحه است که در جایی از واژه طفل استفاده شده که در فقه اسلامی به کار





## ای فلک! از جور و بیدادست و کین، بنیاد تو!

### سنت و فرهنگ

علیرضا زارعی - مهندسی شیمی ۹۶

و مهم تر اینکه سنت ها و فرهنگ های ضد انسانی، هر چند پنهان، نسل به نسل در اندیشه ها منتقل شده و پایبندی و تعصب روی آن ها، خود به نوعی شمارش معکوس برای به وقوع پیوستن فجایع مختلف است.

در کنار تمامی اتفاقات ناگواری که هر روز در نقاط مختلف دنیا رخ داده و می دهد، شنیدن خبر های مربوط به کودک آزاری و حتی مشاهده عینی آنها نیز تبدیل به پدیده ای عادی شده است!

هر چند طی سالیان گذشته، ظواهر جامعه ایرانی و سبک زندگی آن، به شکلی غیر عادی و افسار گسیخته، به سمت دنیای مدرن به پیش رفته است، اما سنت ها و فرهنگ های نادرست و مخرب جامعه که برخاسته از جهل، خرافات یا اعمال گذشتگان است، هنوز در میان اندیشه ها و در باطن اعمال ما نفس می کشند، به جا آورده شده و جولان می دهند.

و خطرناک تر این که در زندگی روزمره تقریباً بخش بزرگی از مردم وجود داشته و به شدت به آن پایبندند. اما همین فراگیری و عمومیت، مانع از آشکار شدن و مقابله با آن شده و می شود و حتی با تغییرات دنیای امروزی و پیدایش پدیده های جدید، مدل زندگی امروزی دستخوش دگرگونی هایی شده است که اثرات آن گرچه هنوز چندان مشخص نیست؛ اما می توان تا حد زیادی فحیح بودن و هولناکی آن ها را احساس کرد.

و باز هم کودکان ایرانی نخستین و بزرگترین گروه قربانی این فرهنگ های جامعه خواهند بود. فاجعه ایران شهر در زوایای پنهانش، گویای بخشی از این فرهنگ ها بوده چرا که به گزارش نیروی انتظامی، هر کدام از آن جنایات با فاصله زمانی و هماهنگ شده صورت گرفته بود و این بدین معناست، که اگر اولین قربانی، به هر شکل، پلیس را در جریان قرار می داد، آمار قربانیان تا این حد بالا نمی رفت و جنایتکاران زودتر به دام افتاده و خانواده های دیگر نیز نجات می یافتند. اما ترس از نگاه یا حرف مردم، زخم زبان ها و قضاوت های بی جا، و ترس از رفتن آبرو، که همگی تا حد زیادی ریشه عمیق در فرهنگ غلط و طرز تفکر سنتی (هر چند آمیخته شده با فضای مدرنیته) دارد، که همگی منجر به باز شدن میدان برای جنایت

می گویند: پدران مان را بر آیینی یافتیم و قطعاً ما نیز از آن پیروی خواهیم کرد!....»

شاید این نخستین پاسخی باشد که از افراد سرتاسر دنیا، با فرهنگ ها و افکار مختلف، در پاسخ به پرسش چرایی پیروی کامل آن ها از سنت گذشتگان شان خواهید شنید.

سنت ها و رسوماتی که چه درست و چه غلط را به فرزندان و آیندگان خود انتقال می دهند؛ سنت هایی که تا آخرین نفس به آنها پایبند هستند و عدم پیروی از آن را گناهی بزرگ دانسته و ملاک بسیاری از مجازات و تنبیه هایشان قرار می دهند و حتی گذشت سالیان و تغییر شرایط اجتماعی نیز به جز تغییرات جزئی، در به جا آوردن آنها تأثیر چندانی نخواهد گذاشت.

برای فهم بهتر، در فرهنگ اساطیر یونان دو دسته قانون وجود داشت؛ قانون وضع شده توسط خدایان (تسموس) و قوانین وضع شده توسط مردم (نموس). نموس مجموعه ای از قوانین و سنت های ساخته شده توسط مردم بود که گاهی حساسیت جامعه در پیروی از آن ها، از قانون اول نیز فراتر می رفت و سقراط، فیلسوف بزرگ، از مشهورترین مجازات شدگان از این قوانین مردمی بوده است.

بدون شک، بزرگ ترین قربانیان و آسیب دیدگان از فرهنگ ها و سنت های خاص مردم در طول تاریخ، از ابتدا تا امروز، کودکان هستند؛ به عنوان بی دفاع ترین انسان ها...

سفری در تاریخ تمدن کشورهای جهان شاهدهی بر این ماجراست؛ نشان دهنده این که چگونه اقوام و ملت های گوناگون حتی با گذشت زمان بسیار، تا حد امکان سنت های خود را حفظ کرده و حتی به صورت مخفیانه آن ها را به جا می آوردند! از بقایای انسانی کشف شده در ترکیه که کودکان را به عنوان نوکران پس از مرگ کشته و نزدیک پیکر اربابان دفن می کردند (مربوط به ۵ هزار سال پیش!)، تا گور دسته جمعی مربوط به ۵۵۰ سال قبل در کشور اروپایی پرو که به گفته باستان شناسان، قلب تمامی کودکان از بدنشان بیرون آورده شده بود، یا زنده به گور کردن دختران در عربستان و آیین تهمت خون در یهود، سنت چت پوجای هند (راه رفتن روی کودکان)، و با اشکال متفاوت تر، در سرتاسر ایران!

نزد پیامبر آوردند و نوزاد در حالی که در آغوش ایشان بود ادرار کرد. اما ایشان به شدت خانوادهٔ کودک را از داد و فریاد برحذر داشته و عنوان کردند که هرچند لباس و جسم افراد قابل شستشو و پاک شدن است؛ اما فریاد آن ها در ذهن کودک باقی خواهد ماند!

بسیاری از فجایع امروزی که سنت های جامعه بر افراد در سنین پایین تر تحمیل می کنند، نتیجهٔ پابندی کورکورانه به آن هاست که اثرش، باقی ماندن مشکلات بزرگ آن بر پیکر روح و آینده کودک است.

... اما خود نیز دانشی بر آن آیین ها نداشتند، هر آینه شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید ...

از دست رفتن زندگی کودکان و جوانان خواهد شد. و به تبع آن حتی یک فرد کم سن و سال، که حق انتخابی برای قربانی بودن خویش نداشته، با همین تفکرات و رفتارها فیه جز در موارد نادر تا آخر عمر از داشتن یک زندگی عادی محروم می شود و این گونه است که یک انسان به همراه تمام آرزوها و امیدش به آینده، به راحتی از زندگی عادی در جامعه طرد خواهد شد.

اکنون، این دست اتفاقات در خصوص کودکان در همه جای مهن رخ می دهد، در نزدیکی ما و در میان خود ما؛ حتی گاهی اوقات هر کدام از ما به نوعی عامل به وجود آوردن این گونه مسائل می شویم؛ چراکه جاهلانه ترین سنت ها و سبک زندگی ها در میان فرهنگ زمانهٔ خود، به راحتی پنهان شده و به صورت مخفی اثرگذار هستند. اکنون آن تفکر مردم سالیان پیش این سرزمین که اعتقاد داشتند استفاده از واکسن آبله و جلوگیری از شیوع آن بیماری، باعث جن زدگی کودک می شود یا مادرانی که برای حفظ کودک از چشم زخم، آن ها را هفت سال به حمام نمی بردند، امری تمسخرآمیز به شمار رفته و همگی گریه ها و فریاد (وای از جهل و نادانی) امیرکبیر را درک کرده و متأسف می شویم؛ چرا که آن ها دیگر بخشی از فرهنگ زمان ما نیستند! اما هنگامی که زمزمه هایی از ورود روزانه ۳۰۰ جوان در کشور به چرخهٔ اعتیاد، ۲۱۲ مورد خودکشی افراد زیر ۱۶ سال فقط در یک سال، افزایش تصاعدی ابتلا به افسردگی در رده های سنی پایین و آمار رو به افزایش خشونت و جنایت در این سنین را می شنویم، این بار نیز متأثر شده، اما از اینکه تمامی این دست اتفاقات، رهاورد پیدایش دورهٔ جدید از جهل و نادانی خود ماست، غافلیم.

در واقع دگرگونی کامل یکی از نیازهای اولیه کودکان که بازی کردن و شیطنت های کودکانه به شمار می رود، تبدیل به آغازی بر پایان روحیهٔ لطیف و پاک کودکان شده است.

رسانه ها و تکنولوژی های عصر جدید به صورتی کاملاً نامطلوب و خطرناک و بدون تدبیر و نظارت مناسب والدین و خانواده ها و در بسیاری از موارد آب ریختن به آسیاب این پدیده ها، از خطرناک ترین معضلات نسل آینده به شمار می رود.

در بسیاری از موارد والدین به خاطر مشغله های روزمره و جلوگیری از غوغای فرزندان در این شرایط آن ها را به سمت سرگرمی های عصر جدید سوق می دهند تا مانع هرگونه مزاحمتی از سوی فرزندانشان شوند.

و به این شکل بسیاری از نیازهای این دوران را بی رحمی فضای آلوده و خطرناک دنیای مجازی و به سمت خود می کشاند و نوعی خشونت و جنون غیر قابل کنترل، مغز و قلب کودکان را تسخیر خواهد کرد و این سنتی نوین است که تمام جامعه را فرا گرفته و اثرات آن نیز مشخص نیست. هرچند تأثیر این مسائل در سنین پایین بسیار عمیق خواهد بود.

به عنوان مثال گفته شده روزی کودکی را برای نام گذاری





## تو را چه شد، تو را چه می شود

شهرزاد افتخاری - عمران ۹۴

در تعریف کودک آزاری این چنین گفته می شود: «آسیب یا تهدید سلامت جسم، روان یا رفاه و بهزیستی کودک به دست والدین یا کسانی که نسبت به او مسئول هستند مانند معلم، مربی، راننده، دایی، عمو و...» از این تعریف برداشت می شود که معمولاً نزدیکان نسبت به افراد غریبه بیشتر کودکان را مورد آزار قرار می دهند. کودک آزار می تواند یکی از والدین یا از برادران و خواهران و یا یکی از نزدیکان کودک باشد. کودک آزاری توسط غریبه ها غیر معمول است ولی اتفاق می افتد.

اغلب خانوارهای ایرانی در هنگام اطلاع از بروز کودک آزاری به خصوص کودک آزاری جنسی در مورد فرزندشان سکوت را ترجیح می دهند، ولی مثلاً در مورد کودک آزاری از نوع تنبیه بدنی جز در مواردی معدود معمولاً اقدامات و حساسیت لازم وجود دارد. ترس از آبرو و تابوها و تأکید بر عقاید به ویژه در محله های بومی و مذهبی از علل عدم واکنش مناسب و مخفی کردن در این گونه کودک آزاری ها توسط والدین است. البته خانواده ها و والدین از بعضی از انواع کودک آزاری ها اطلاع چندانی ندارند و به دلیل عدم اطلاع کافی یا به چشم نمی آید یا اینکه اهمیت خاصی ندارد؛ مانند کودک آزاری عاطفی که با پرسیدن سوالاتی مثل: « پدر را بیشتر دوست داری یا مادر؟ اگر این کار را بکنی دوست ندارم. دیگه تو فرزند من نیستی و... » که معمولاً شایع هستند، یا کودک آزاری روانی مانند ایجاد انواع فوبی ها یا ترس های مرضی در کودکان و یا عدم اجازه به کودکان در تخلیه هیجانات از طریق بازی و سر و صدا کردن، یا اینکه والدین فکر می کنند کودک آزاری جنسی فقط از طریق لمس کردن یا انجام فعل مستقیم جنسی رخ می دهد (در صورتی که فحاشی جنسی در حضور کودک صورت گرفتن یا نشان دادن تصاویر یا فیلم جنسی نیز مصداق دارد) و...؛ که این غفلت خانواده ها به خاطر عدم اطلاع رسانی کافی یا عدم آموزش کافی والدین نسبت به کودک آزاری و انواع آن است.

تعرض جنسی به کودک نابالغ به طور معمول از سوی دو قسم افراد اتفاق می افتد: افراد مبتلا به پدوفیلیا ( نوعی بیماری که افراد مبتلا فقط با تصور، لمس بدن و یا ارتباط جنسی با کودکان نابالغ تحریک و ارضاء می شوند) و معترضان جنسی غیر پدوفیلیک. علاوه بر افراد مبتلا به پدوفیلیا، افراد دیگری نیز هستند که به خاطر تمایلات جنسی شدید، بیماری های روانی یا سوء مصرف الکل و مواد مخدر، کودکان را مورد تعرض قرار می دهند. پس هرکسی، چه مرد چه زن، با هر نژاد، باور مذهبی و جایگاه اجتماعی و شغلی می تواند برای کودکان آسیب

جنسی ایجاد کند. در این بین سی درصد کودکان توسط اعضاء خانواده و فامیل نزدیک، شصت درصد توسط دوستان و آشنایان (مانند معلم، سرایدار، همسایه، پرستار، راننده و مربی و...) و ده درصد مابقی توسط افراد کاملاً غریبه مورد سوء استفاده جنسی قرار می گیرند.

تجاوز واژه ای است که بار منفی زیادی دارد. وقتی صحبت از «تجاوز جنسی» به میان می آید این کلمه بار منفی بیشتری پیدا می کند. اگر پای درد و دل فردی که قربانی تجاوز یا آزار جنسی شده است، بنشینید، او این اتفاق را دردناک ترین تجربه زندگی خود می داند. طوری که انگار هیچگاه آن را فراموش نخواهد کرد و همیشه با آن درگیر خواهد بود. ولی با اقدامات بالینی توسط متخصص روانشناسی می توان تا حد قابل قبولی این مسئله را درمان نمود. خصوصاً اگر فرد دچار تروما یا استرس پس از ضربه (PTSD) شده باشد، مراحل درمانی توسط متخصص روانشناسی و گذر زمان، عامل کمک کننده و تسهیل کننده درمان است و در مواردی نیاز به کمک گرفتن از درمان دارویی در کنار سایکو تراپی یا روان درمانی هست.

### عوارض ها در تجاوز جنسی

تجاوز معمولاً در سنین مختلف و بسته به نوع تجاوز، جنسیت، فرهنگ جامعه، عقاید فردی، نظام ارزش های خانواده و... می تواند دارای آثار و آسیب های متفاوتی باشد.

تجاوز در زیر سن ده سال معمولاً ابعاد آشفته گی ها و آسیب های روانی کم رنگ تری در ذهن دارد. چون هنوز در فرد تفکر انتزاعی و قدرت تحلیل مسائل، به صورت کامل شکل نگرفته است و راحت تر با این مسئله کنار خواهد آمد. ولی فرد در سنین بالاتر رفتارها را تحلیل کرده و آثار مخرب تری در فرد ایجاد خواهد کرد.

تجاوز توسط مردان بزرگسال به نوجوان پسر یا دختر معمولاً استرس و آشفته گی روانی بیشتری به همراه دارد و احتمال اینکه فرد دچار PTSD یا استرس پس از ضربه شود، بیشتر است. در مسائل جنسی در کشور ما تحقیقات و پژوهش ها بخاطر مسائل فرهنگی، اجتماعی و مذهبی محدود و ناقص است بنابراین نمی توان آمار دقیقی ارائه داد و حتی تعداد گزارشات و پیگیری های قانونی توسط خانواده ها معمولاً در موارد خاص اتفاق می افتد و حتی جو ارتباطی، عاطفی بعضی از خانواده ها با فرزندان به گونه ای نیست که آن ها بتوانند موارد را به والدین گزارش دهند و اغلب به صورت مخفی در ذهن نگه می دارند و عذاب می کشند.

### عوارض کوتاه مدت تجاوز جنسی

او حالت ناراحتی شدید و بهت زدگی دارد. احساس طرد شدن از اجتماع و این فکر که به دلیل گناه نکرده مورد تحقیر و تنبیه قرار گرفته است. او این احساس را دارد که چه بسا به خاطر ظاهر و پوششی که داشته متجاوز به این عمل ترغیب شده است. به این ترتیب احساس عذاب وجدان در فرد چند برابر می شود.

### بدبینی نسبت به جنس مخالف

فردی که مورد تجاوز قرار گرفته است در طولانی مدت نسبت به رابطه جنسی حس بدی پیدا می کند و از آن متنفر خواهد شد. دردهای آمیزشی و تنفر از جنس مرد و بدبینی به جنس مخالف از دیگر عوارض تجاوز جنسی است.

آموزش مسائل جنسی و جواب به سؤالات جنسی کودکان و نوجوانان و آموزش حفظ حریم شخصی و چگونگی برخورد قاطعانه و جرأت مندانه در مواقع احساس خطر و... همگی از اقداماتی هست که باید برای آن‌ها برنامه منظم و مدون تهیه کرد و آموزش داد. آموزش مهارت‌های زندگی مانند مهارت‌های ارتباطی که شامل مهارت گفتن نه، جرات ورزی، برقراری ارتباط مؤثر است، بسیار کارسازست.

در بیشتر موارد خانواده‌ها در هنگام پرسش سؤالات جنسی مانند: «بچه چطور به دنیا می‌آید؟» توسط کودکان و نوجوانان از جواب دادن فرار می‌کنند یا جواب را موکول به آینده می‌کنند و یا اینکه جواب‌های نامربوط ارائه می‌دهند که منجر به کنجکاوای بیشتر و استفاده از منابع نامطمئن مانند گروه همسالان می‌شود. چگونگی جواب دادن به این سؤالات که از سن هفت، هشت سال به بالا عمومیت دارد به صورت کاملاً روشن و واضح در منابع مورد تأیید وجود دارد که البته باید حتماً منابع اطلاعات توسط متخصصین بومی سازی شده باشد و با فرهنگ و عقاید ما سازگار باشد و نمی‌توان از منابع خارجی به شکل مستقیم کپی برداری کرد. روان‌شناسان کودک و نوجوان می‌توانند این نکات را در قالب جلسات مشاوره فردی یا گروهی به والدین آموزش دهند. هم‌چنین عموماً والد هم‌جنس در ارائه اطلاعات جنس مناسب‌ترین گزینه هست که باید آموزش لازم را ببیند و یا اطلاعات لازم را با مطالعه منابع مورد تأیید کسب کند.

میزان کودک‌آزاری‌ها نسبت به قبل افزایش نیافته ولی حساسیت مردم نسبت به این قضیه افزایش یافته است و باید گفت که در حیطه‌هایی مانند تنبیه جسمی در مدارس آمار کاهش را نشان می‌دهد ولی به عنوان مثال در حیطه کودک‌آزاری در زمینه مصرف والدین از مواد مخدر صنعتی و در نتیجه آزار کودکان به علت مصرف مواد توهم‌زا و صنعتی، آمار رشد داشته است. ضمناً به دلیل رشد فضای مجازی، اطلاع‌رسانی سریع، بیش و آگاهی مردم و رشد فرهنگی گزارشات در این زمینه بیشتر شده است و مانند گذشته خانواده‌ها در برابر کودک‌آزاری کمتر منفعل عمل می‌کنند و اقداماتی مانند پیگیری قضایی و درمان به نسبت بهتر شده است.

با تشکر از سرکار خانم سمیه یخچالی (مدیر جمعیت حمایت از حقوق کودکان مهر زاینده رود) و جناب آقای مهدی شیروی (روان‌شناس بالینی) بخاطر اطلاعاتی که در اختیار گذاشتند.

## نکات مهم بعد از اتفاق

برای رفتار با فرد آسیب دیده از تجاوز به خصوص اگر دچار اختلال استرس پس از ضربه شده باشد باید با مراجعه به روانشناس، برنامه درمانی تدوین شود و اطرافیان به ویژه والدین آموزش ببینند که چگونه عمل کنند. فاجعه‌سازی و پرسیدن سؤالات تکراری، سرزنش، نصیحت، به کار بردن اگرها، اماها و چراها و تشریح مسئله توسط اطرافیان نتیجه خوبی به همراه ندارد. اجتناب از قرار گرفتن در مکان‌های عمومی و حبس در خانه نیز باعث افزایش میزان استرس و اضطراب خواهد شد و به صورت کلی از رفتارهای اجتنابی غیر معمول باید پرهیز کرد. عادی‌سازی شرایط محیط زندگی و قرار گرفتن در روند زندگی عادی به همراه پرداختن و تحلیل مسئله توسط روان‌شناس و دیگر آموزش‌ها نیز مؤثر واقع خواهد شد. حمایت‌های عاطفی والدین و ابراز محبت و همدلی و پذیرفتن اینکه او فقط یک قربانی بوده کمک شایانی به روند بهبود خواهد کرد.

در صورت بروز علائم استرس و اضطراب شدید و خارج از کنترل و کابوس‌های شبانه و وجود ترس‌های مرضی بنا بر تشخیص روانپزشک دارو درمانی نیز باید صورت پذیرد.

برخی قربانیان تجاوز جنسی در مورد این موضوع صحبتی نمی‌کنند غافل از اینکه این پنهان‌کاری عوارض را تشدید می‌کند. خانواده باید دوست صمیمی کودک باشد تا کودک از گفتن حقیقت هراسی نداشته باشد. پس بهترین کار بعد از تجاوز جنسی، درمان است.

بدون شک تجاوز بدترین اتفاقی است که می‌تواند برای یک فرد رخ دهد. طبیعی است که بعد از این رخداد فرد قربانی مشکلات مختلف روانی پیدا کند. بنابراین اولین اقدام بعد از تجاوز مراجعه به روانپزشک و متخصص زنان و زایمان است. اگر درمان انجام نشود این موضوع تا سال‌ها می‌تواند فرد را آزار دهد و زندگی‌اش را تحت الشعاع قرار دهد.

## بعد از تجاوز جنسی زود ازدواج نکند

دختری که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است حداقل دو تا سه سال نباید به ازدواج فکر کند. در صورتی که فرد قصد ازدواج داشته باشد لزومی ندارد این موضوع را با همسر آینده‌اش مطرح کند زیرا در بسیاری مواقع شوهر به همسر سرکوفت می‌زند و او را متهم می‌کند به اینکه خودش هم در این موضوع نقش داشته است.

## نکات مهم برای پیشگیری از این اتفاق

در سال‌های اخیر کلیپ‌ها، فایل‌ها، کتب، انیمیشن‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مختلفی در این زمینه برای آموزش و اطلاع‌رسانی به کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها در زمینه آموزش جنسی تهیه شده و موجود است ولی این مسئله هنوز به شکل برنامه منظم آموزشی با پروتکل خاص توسط خانواده‌ها تنظیم نشده است و حتی بعضاً حساسیت لازم را در این زمینه از خود نشان نمی‌دهند و همچنین در آموزش و پرورش و بهزیستی یا ارگان‌های مربوطه هنوز این پروتکل یا برنامه ریزی مدون وجود ندارد یا اگر طرحی وجود دارد در مرحله اجرا ضعیف بوده است و اهمیت موضوع هنوز توجیه نشده است. اما خانواده‌ها می‌توانند در این زمینه با آموزش که معمولاً نسبت به درمان کم هزینه هم هست، از بروز مشکلات پیشگیری کنند.



